



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۳۱۰

مرداد ۱۳۹۶

آمین معینی
مرکز تحقیقات استراتژیک

بازیگران فرامنطقه‌ای و بحران قطر؛ اهداف و رویکردها



مقدمه

آلمان، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و ترکیه پنج بازیگر فرامنطقه‌ای هستند که به ترتیب با هدف میانجیگری در بحران قطر و وزیرای خارجه خود راهی منطقه کرده‌اند. در ابتدای بحران بسیاری از ناظران سیاسی قطر را فاقد اراده و ظرفیت لازم برای ایستادگی در مقابل عربستان می‌دانستند. با گذشت نزدیک به دو ماه از آغاز بحران و رد شروط سیزده‌گانه و شش‌گانه از طرف قطر، بحران وارد مرحله پیچیده‌ای شده و بازیگران فرامنطقه‌ای متناسب با اهداف و منافعشان به تلاش برای حل و فصل یا مدیریت بحران پرداخته‌اند. میانجیگری‌ها چشم انداز روشنی برای حل بحران ارائه نمی‌دهند اما از عمیق‌تر شدن آن ممانعت کرده‌اند. نوشته پیش‌رو در تلاش است تا با بررسی اقدامات دیپلماتیک میانجیگران فرامنطقه‌ای، درک روشنی از اهداف و رویکرد این بازیگران در قبال بحران قطر ارائه دهد. مشارکت قطر در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش، میزبانی از بزرگترین پایگاه هوایی خاورمیانه‌ای آمریکا، بیش از ۳۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در کشورهای غربی و صادرات عمده

گاز مایع به اروپا از جمله موضوعاتی هستند که پای قدرت‌های غربی را به بحران قطر باز کرده‌اند.

آلمان

آلمان روابط تجاری گسترده‌ای با قطر دارد؛ قطری‌ها از دویچه بانک که بزرگترین بانک آلمان است تا شرکت‌های زیمنس و فولکس واگن سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی کرده‌اند. مقامات آلمان نگرانند که با عمیق شدن تنش و افزایش تحریم‌ها، قطر ناچار به خروج بخشی از سرمایه خود از اقتصاد کشورشان شود. در سالهای اخیر اقتصاد آلمان به سختی در مسیر رونق نگه داشته شده و خروج سرمایه قطری‌ها اثرات نامطلوبی بر آن دارد. زیگمار گابریل وزیر خارجه آلمان در گفتگو با یکی از نشریات کشورش سیاست ترامپ در قبال بحران قطر را بشدت مورد انتقاد قرار داده و گفته است: آمریکا با ایجاد مسابقه تسلیحاتی تنش در منطقه خلیج فارس را افزایش داده و بر دامنه بحران افزوده است.^۱

۱. برای کسب اطلاع بیشتر نگاه کنید به :

بازیگران فرامنطقه‌ای و بحران قطر؛ اهداف و رویکردها ۲

آوردی بزرگ» خواند که کشورهای تحریم کننده قطر آنرا اقدامی ناکافی و قطر را کشوری غیرقابل اعتماد خواندند.

وزیر خارجه آمریکا در جریان این سفر مواضع قطر در قبال بحران را منطقی توصیف کرد. این سخنان خوشایند کشورهای تحریم کننده قطر نبود و گویا این تغییر رفتار آمریکا چندان باب میل آنها نیست.^۲ نشریه فارین افرز به مقامات واشنگتن توصیه کرده است که از ورد به بحران قطر و جانبداری از عربستان پرهیز کنند. در این نوشته محمد بن سلمان فردی بی منطق و مستبد توصیف شده که گمان می‌کند با چراغ سبز آمریکا می‌تواند قطر را از سیاست خارجی مستقل خود بازدارد.^۳ آمریکا در تلاش است تا در خلال این بحران منافع حداکثری خود را تامین کند اما واقعیت آن است هدف نهایی این کشور حفظ انسجام در شورای همکاری برای پیشبرد اهدافی مهمی همچون پیشبرد مذاکرات صلح فلسطین و مقابله با ایران است.

بریتانیا

اندیشکده «هنری جکسون» در ماه گذشته نتایج پژوهشی را منتشر کرده است که حکایت از نقش چشم‌گیر عربستان در شکل‌گیری و گسترش تروریسم در بریتانیا و دیگر نقاط جهان دارد. بر اساس نتایج این پژوهش سعودی‌ها در ۵۰ سال گذشته از طریق بنیادهای مذهبی وابسته به خود آموزه‌های افراطی وهابیت را در جهان اسلام و دنیای غرب گسترش

۲. برای کسب اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

[https:// aawsat.com/ abdul- rahman- al- rashed/ opinion/ will-tillerson-side-qatar](https://aawsat.com/abdul-rahman-al-rashed/opinion/will-tillerson-side-qatar)

۳. برای کسب اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

[http:// carnegieendowment. org/2017/07/24/don-t- mind-gulf-pub-72621](http://carnegieendowment.org/2017/07/24/don-t-mind-gulf-pub-72621)

واقعیت آن است که آلمان تا کنون تلاش کرده در قامت یک میانجیگر راستین از افزایش سطح تنش در شورای همکاری جلوگیری نماید. وزیر خارجه آلمان در موضعی که حکایت از نگرانی عمیق آلمان‌ها داشت، پیامد تداوم این بحران را وقوع یک جنگ منطقه‌ای دانست و در سفر به منطقه خواستار مذاکرات جدی طرفین برای حل بحران شد.

آمریکا

ترامپ در ابتدای بحران قطر به جانبداری از عربستان پرداخت. وی هم‌نوا با سعودی‌ها قطر را به حمایت از تروریسم متهم کرد و گفت: «به اتفاق وزیر خارجه و ژنرال‌های نظامی به این تصمیم رسیده‌ایم که از قطر بخواهیم حمایت از تروریسم را متوقف کند». اما فروش ۷۲ فروند جنگنده F15 به قطر پایانی بود بر مواضع جانبدارانه آمریکا و آغاز تلاش‌ها برای مدیریت بحران.

تیلرسون یک هفته پس از سفر وزیر خارجه آلمان برای گفتگو درباره بحران قطر به منطقه سفر کرد. وی در جریان این سفر با همتای قطری خود تفاهم‌نامه‌ای برای با مبارزه با تروریسم امضا کرد. این تفاهم‌نامه دو دستاورد مهم برای آمریکا دارد؛ اول آنکه کارشناسانی از وزارت دادگستری آمریکا در دفتر دادستانی قطر مستقر می‌شوند و مستقیماً بر اقدامات ضد تروریستی این کشور نظارت می‌کنند، از طرفی این تفاهم اتهام چهار کشور مبنی بر حمایت قطر از تروریسم را به حاشیه می‌برد و بر قدرت چانه زنی آمریکا برای مدیریت یا حل و فصل این بحران می‌افزاید. تیلرسون در حالی این تفاهم‌نامه را «دست

[https:// global. handelsblatt. com/ politics/german- foreign- minister-voices-support-for-qatar-bashes- trump-777208](https://global.handelsblatt.com/politics/german-foreign-minister-voices-support-for-qatar-bashes-trump-777208)



قطر شد و وزیر خارجه سعودی هم اعلام کرد بحران قطر باید درون شورای همکاری حل و فصل شود. فرانسه علی‌رغم برخورداری از مزیت‌های گسترده‌ای همچون قدرت نظامی و کرسی دائمی شورای امنیت، در سالهای اخیر موفقیت چشم‌گیری در عرصه بین‌المللی نداشته است؛ بسیاری از تحلیلگران حضور این کشور در بحران‌های لیبی و سوریه را ناشی از محاسباتی اشتباه می‌دانند و معتقد ماکرون در تلاش است تا با اصلاح رویه‌های نادرست پیشین، فرانسه را در مسیر شکوفایی اقتصادی قرار دهد و با نشان دادن این کشور در جایگاهی متناسب با ظرفیت‌هایش بر وزن و تاثیر جهانی آن بیافزاید. تحلیلگران معتقدند که دولت جدید فرانسه تلاش خواهد کرد تا ضمن حفظ استقلال از آمریکا بر تعمیق همگرایی در اروپا بیافزاید و سیاست خارجی خود را در چارچوب این اتحادیه دنبال کند.^۵ بنابراین می‌توان اولویت فرانسه در منطقه خلیج فارس را حفظ ثبات با هدف بهره‌برداری اقتصادی دانست.

ترکیه

تحلیلگران ترک در آغاز شکل‌گیری بحران قطر دو رویکرد کاملاً متفاوت پیشنهاد کردند؛ برخی از آنها معتقد بودند که اردوغان باید گفتگوهای راهبردی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را با هدف برقراری و گسترش پیوندهای چند جانبه ادامه دهد و با ایفای نقش یک میانجی سازنده خود را به یک بازیگر مثبت منطقه‌ای تبدیل کند. در سوی دیگر برخی از مشاوران نزدیک به اردوغان، اقدام علیه قطر را هشدار جدی به ترکیه دانستند چرا که این کشور

داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که عربستان بزرگترین حامی تروریسم در بریتانیا و مهمترین عامل رادیکالیزه کردن جهان اسلام است.^۴ نتایج این پژوهش در حالی منتشر شد که دولت ترزا می برای انتشار نتایج تحقیق دولت کامرون درباره منابع خارجی گسترش افراط‌گرایی در بریتانیا تحت فشار است. در این شرایط حمایت ترزا می از بزرگترین حامی تروریسم در بریتانیا بسیار سخت و پرهزینه خواهد بود. از طرفی این وضعیت ایفای نقش پررنگ بریتانیا در جریان بحران قطر را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است. بوریس جانسون در سفر میانجیگرانه خود از تلاش‌های کویت بر حفظ انسجام کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس حمایت کرد و با تاکید بر حل بحران از طریق تعامل خواستار لغو تحریم‌های قطر شد.

برخی از تحركات منطقه‌ای بریتانیا گویای تمایل به بازآفرینی نقش پیشین این کشور در منطقه خلیج فارس است. نقش‌آفرینی منطقه‌ای بریتانیا به تکیه بر دو عامل اقتصاد و مقابله با افراط‌گرایی، مستلزم حفظ انسجام در بین متحدین دیرینه این کشور است. ازینرو مقامات لندن تلاش خود را برای حل مسالمت آمیز بحران بکار خواهند گرفت.

فرانسه

فرانسه چهارمین کشوری بود که پس از آلمان، آمریکا و بریتانیا با هدف میانجیگری به دوحه و پس از آن جده سفر کرد. وی در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با همتای سعودی خود خواستار پایان تحریم‌ها علیه

۴. برای کسب اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

<http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/saudi-arabia-uk-extremism-terrorism-funding-clear-link-middle-east-isis-gulf-qatar-report-henry-a7824241.html>

۵. برای کسب اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

<http://www.csr.ir/fa/news/679/>

بازیگران فرامنطقه‌ای و بحران قطر؛ اهداف و رویکردها ۴

۲- هیچ یک از کشورهای اروپایی در قبال بحران قطر موضعی جانبدارانه اتخاذ نکرده‌اند و صرفاً طرفین را به گفتگو و حل مسالمت‌آمیز بحران تشویق کرده‌اند. این مسئله حکایت از آن دارد که اولویت اصلی کشورهای اروپایی حل سریع و مسالمت‌آمیز بحران است.

۳- موضع دوسویه آمریکا در قبال بحران برای این کشور دو دستاورد مهم داشته است؛ قرارداد فروش ۷۲ فروند جنگنده و انعقاد تفاهم‌نامه مبارزه با تروریسم با قطر. بنابراین آمریکا در کوتاه مدت بدنبال مدیریت بحران با هدف بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی بوده و تمایلی به حل سریع بحران نداشته است. اما منافع بلند مدت این کشور مستلزم حفظ ثبات و انسجام در شورای همکاری است.

۴- در جریان تمام میانجیگری‌ها، قطر، امارات و عربستان طرف گفتگو بوده‌اند. این نکته حکایت از آن دارد که بحران قطر طرحی سعودی اماراتی است و مصر نقش چندانی در آغاز و پایان بحران ندارد.

۵- تمام پنج کشور در سفرهای منطقه‌ای خود با امیر کویت دیدار و پیرامون بحران با وی گفتگو کرده‌اند. این نکته حکایت از نقش آفرینی موثر کویت در آینده این بحران دارد.

هچون قطر هم حامی اصلی اخوان المسلمین و حماس است و هم به حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال متهم شده است. آنها با اشاره به کودتای نافرجام سال ۲۰۱۵ تصور می‌کردند که فائق آمدن چهار کشور بر قطر زمینه‌ساز اقدام علیه ترکیه خواهد بود. ترکیه در حالی درصدد ایفای نقش میانجی برآمد که خود یکی از طرف‌های درگیر در بحران است. از طرفی امارات و مصر، ترکیه را به عنوان میانجی نخواهند پذیرفت. پیش از سفر میانجیگرانه اردوغان وزیر خارجه امارات در ارمنستان با بازدید از مقبره قربانیان نسل‌کشی ارمنه خشم ترک‌ها را برافروخت. این اقدام در آستانه سفر اردوغان به کشورهای عضو شورای همکاری حامل پیام مهمی بود. برخی معتقدند اردوغان بیش از آنکه در جایگاه یک میانجی باشد بدنبال جلوگیری از سردی روابط با عربستان و بهره‌برداری از منافع حداکثری در کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه می‌توان نکات زیر را از نوشته بالا برداشت کرد:

۱- در جریان تمام میانجیگری‌ها مقامات عربستان بر خلاف قطر تمایل چندانی به تعامل و گفتگو نشان نداده‌اند و در سوی دیگر هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی در رفتار قطر قابل مشاهده نیست. این نکته تقویت‌کننده این احتمال است که حل بحران در کوتاه مدت دشوار است.

۶. برای کسب اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

<http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/06/five-arab-states-sever-qatar-turkey-worried.html>